

کیفیت سود: شواهدی از نقش دوره تصدی حسابداری و تخصص در صنعت

سیدحسین علوی طبری

دانشیار حسابداری دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء

آمنه بذرافشان

دانشجوی دکتری حسابداری دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، (مسئول مکاتبات)

bazrafshan_63@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۵

چکیده

نتایج مطالعات تجربی گذشته حاکی از وجود رابطه بین دوره تصدی حسابداری و کیفیت سود می باشد. با این حال شواهدی حاکی از وجود عوامل اثر گذار بر رابطه مزبور وجود دارد. این تحقیق درصدد بررسی تاثیر تخصص حسابداری در صنعت بر رابطه بین دوره تصدی حسابداری و کیفیت سود می باشد. نتایج حاصل از بررسی ۶۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ نشان می دهد زمانی که حسابداری متخصص نیست با افزایش دوره تصدی میزان اقلام تعهدی اختیاری افزایش و کیفیت سود کاهش می یابد. در حالیکه چنانچه حسابداری متخصص باشد با افزایش دوره تصدی، کیفیت سود افزایش می یابد. این نتایج بیانگر این امر است که روابط طولانی مدت حسابداری و صاحبکار در صورتی که حسابداری متخصص باشد نگران کننده نخواهد بود.

واژه‌های کلیدی: دوره تصدی حسابداری، تخصص در صنعت، کیفیت سود.

۱- مقدمه

در دهه های اخیر نگرانی ناشی از آثار روابط طولانی مدت حسابرِس و صاحبکار بر استقلال حسابرِس، کیفیت حسابرِسی و کیفیت گزارشگری مالی موجب تدوین قوانینی مبنی بر محدود کردن روابط مزبور شده است. این نگرانی ها که به دنبال رسوایی های مالی شرکت های بزرگ رخ داد، قانونگذاران را بر آن داشت تا با تدوین قوانین جدید، استقلال حسابرِس و کیفیت حسابرِسی را بهبود بخشند. قانون چرخش اجباری حسابرِس یک نمونه بارز از این قوانین بود. بعد از تصویب این قانون مخالفت هایی نیز مطرح شد. حامیان تغییر حسابرِس بر این باور هستند که در صورت تغییر اجباری حسابرِس، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بیطرفانه تری را اعمال نمایند. در مقابل مخالفان تغییر اجباری حسابرِس معتقدند که عوامل دیگری وجود دارند که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می کنند. به عنوان مثال تلاشی که حسابرسان در جهت حفظ اعتبار و شهرت بکار می گیرند و یا ترس از احتمال طرح دعوی حقوقی علیه آنها، مکانیزم هایی هستند که مانع از رفتارهای نامناسب حسابرسان می شود. آنها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت های صاحبکار بدست آورده و تجربه بیشتری کسب می کنند و به این ترتیب توانایی شان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه های حسابداری و گزارشگری افزایش می یابد. بنابراین رابطه طولانی مدت حسابرِس و صاحبکار می تواند کیفیت حسابرِسی را بهبود بخشد. به اعتقاد آنها تغییر حسابرِس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه گذاران به اتکاپذیری صورت های مالی کاهش یافته و از این رو اعتبار حسابرِسی کاهش یابد. از طرف دیگر هزینه های حسابرِسی، چه برای حسابرِس و چه برای صاحبکار، افزایش خواهد یافت (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۸).

در پی این ادعاها تحقیقات گسترده ای نیز در جهت بررسی اثربخشی این قانون انجام شد. در این راستا تعدادی از پژوهشگران به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت سود پرداختند. یافته های تحقیقات اخیر حاکی از دوگانگی نتایج در رابطه بین دوره تصدی

حسابرِس و کیفیت سود می باشد. از یک سو برخی از پژوهش های تجربی نشان می دهد شرکت هایی که حسابرسان آنها دوره تصدی کوتاه تری دارند نسبت به شرکت هایی که حسابرسان آنها رابطه طولانی تری با صاحبکار خود دارند دارای کیفیت سود پایین تری می باشند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ میرز و همکاران، ۲۰۰۳؛ گوش و مون، ۲۰۰۵). دوره تصدی حسابرِس، مدت زمانی (بر حسب سال) است که یک موسسه حسابرِسی، حسابرِسی یک شرکت واحد را بر عهده دارد. از سوی دیگر نتایج تحقیقات دیویس و همکاران (۲۰۰۲) و چانگ (۲۰۰۴) نشان می دهد با افزایش دوره تصدی، میزان قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری افزایش و در نتیجه کیفیت سود کاهش می یابد.

بر اساس مطالعات نظری یکی از عواملی که می تواند به ناهمخوانی نتایج بدست آمده از دو دسته مطالعات بالا منجر شده باشد عدم توجه کافی به متغیرهای اثرگذار بر رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت سود می باشد. هدف این تحقیق بررسی چگونگی اثرگذاری تخصص حسابرِس در صنعت، بر رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت سود می باشد. در این مقاله از اقلام تعهدی اختیاری که بر اساس مدل پیشنهادی بال و شیواکومار (۲۰۰۶) برآورد شده به عنوان معیاری برای کیفیت سود استفاده شده است. نتایج مشاهده شده حاکی از این است که دوره تصدی رابطه مثبت با اقلام تعهدی اختیاری و در نتیجه رابطه منفی با کیفیت سود دارد. البته در نهایت مشاهده شد که نه تنها رابطه منفی میان دوره تصدی و کیفیت سود در شرکت های داری حسابرِس متخصص، ضعیف تر می شود بلکه کاملاً معکوس می گردد.

ضمناً با توجه به هدف و انگیزه اصلی این تحقیق، نگرانی های موجود در خصوص مدیریت سود بوده است و اینکه دانشگاهیان، فعالان بازار و سیاستگذاران تردیدهایی درباره کیفیت حسابرِسی در دوره های تصدی طولانی و در نتیجه کیفیت سود دارند. اهمیت این مساله تحقیق بیشتر زمانی روشن می شود که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا، مرکز تخصیص کارای منابع سرمایه محدود در بازار به شمار می روند. برای سرمایه گذاران و سایر

بخش های ذینفع مفید است که از وضعیت هایی که ممکن است در آن رابطه بین کیفیت سود و دوره تصدی متاثر گردد آگاهی داشته باشند. چنین وضعیتی می تواند حضور یک حسابرس متخصص در صنعت باشد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

همان طور که بیان شد یافته های تحقیقات اخیر حاکی از دوگانگی نتایج در رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود می باشد. از یک سو برخی از پژوهش های تجربی نشان می دهد شرکت هایی که حسابرسان آنها دوره تصدی کوتاه تری دارند نسبت به شرکت هایی که حسابرسان آنها رابطه طولانی تری با صاحبکار خود دارند دارای کیفیت سود پایین تری می باشند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ میرز و همکاران، ۲۰۰۳؛ گوش و مون، ۲۰۰۵). سه استدلال متفاوت در خصوص توجیه و توضیح این رابطه ارائه شده است. دلیل اول این است که حسابرسان دارای دوره تصدی کوتاه، فاقد دانش خاص صاحبکار که برای هدایت یک حسابرسی با کیفیت بالا لازم است می باشند. به علاوه حرفه حسابداری ادعا می کند که دوره تصدی کوتاه ممکن است ریسک بالاتر برای شکست حسابرسی به دنبال داشته باشد چراکه حسابرسان دارای تجربه کم با دانش غیر کافی از فعالیت صاحبکار مجبور خواهند شد که بیشتر روی برآوردها و ارائه های انجام شده توسط شرکت صاحبکار اتکا نمایند (به عنوان مثال گول و همکاران، ۲۰۰۷). دومین استدلال بر مبنای پدیده کم قیمتگذاری خدمات حسابرسی^۱ است که به موجب آن حسابرسان حق الزحمه های پایین تری مطالبه می نمایند تا صاحبکاران جدید را بدست آورده و حفظ نمایند و انتظار دارند که زیان های سال های ابتدایی اشتغال به حسابرسی را در آینده جبران نمایند (دی آنجلو، ۱۹۸۱). طبق این استدلال حسابرسان با دوره تصدی کوتاه ممکن است در سال های ابتدایی رابطه با صاحبکار سهل انگارتر باشند. به این ترتیب حسابرس آنها می تواند شغش را حفظ نماید تا به این وسیله زیان های اولیه را جبران نماید که این مساله نهایتاً منجر به حسابرسی های با کیفیت پایین تر و نیز سودهای با کیفیت پایین تر می شود (گول و

همکاران، ۲۰۰۷). توجیه سوم بر مبنای این بحث است که در شرکت های با کیفیت بالای سود این احتمال بیشتر است که حسابرسان با کیفیت بالا را حفظ نمایند. از طرفی احتمال اینکه حسابرسان با کیفیت بالا، صاحبکاران پرخطر که سودهای با کیفیت پایینی را گزارش می کنند و منجر به حسابرسی با کیفیت پایین می شوند را رها نمایند بیشتر است.

از سوی دیگر نتایج تحقیقات دیویس و همکاران (۲۰۰۲) و چانگ (۲۰۰۴) نشان می دهد با افزایش دوره تصدی، میزان قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری افزایش و در نتیجه کیفیت سود کاهش می یابد.

بر اساس مطالعات نظری یکی از عواملی که می تواند به ناهمخوانی نتایج بدست آمده از دو دسته مطالعات بالا منجر شده باشد عدم توجه کافی به متغیرهای اثرگذار بر رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود می باشد. همانطور که از سه تحلیل بالا پیداست تخصص حسابرس در صنعت، تحلیل های مذکور را متاثر می نماید. به عنوان مثال در تحلیل اول یکی از دلایل وجود رابطه مستقیم بین دوره تصدی و کیفیت سود، فقدان دانش کافی مرتبط با صاحبکار در سال های اول شروع به کار حسابرسی ذکر گردید. حال، چنانچه حسابرس متخصص صنعت باشد، احتمالاً مسئله فقدان دانش کافی مرتبط با صاحبکار کم-رنگ تر و در نتیجه نقش عامل فقدان دانش، در وجود رابطه مثبت حذف خواهد شد.

۲-۱- کیفیت حسابرسی و کیفیت سود

رابطه مثبت بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود به کرات در ادبیات حسابداری و حسابرسی مستند شده است. به عنوان مثال یافته های تحقیقات جانسون و همکاران (۲۰۰۲) بیانگر این امر است بین حسابرس با کیفیت بالا (مانند اندازه حسابرس یا تخصص در صنعت) و کیفیت بالای گزارشگری مالی یک رابطه مستقیم وجود دارد. این رابطه اینگونه توجیه می شود که هرچه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد در نتیجهی نظارت کاراتر، احتمال کشف رویه های حسابداری مشکوک و ارائه های نادرست توسط مدیران بیشتر می شود. اگر مدیران تمایلی به رفع نگرانی های حسابرسان در خصوص رویه های حسابداری

صاحبکار شده و اثربخشی بیشتر فرآیند حسابرسی را در پی خواهد داشت. در این صورت می توان استنتاج کرد که یک منحنی یادگیری یا بهبود دانش در گذر زمان در رابطه با وضعیت صاحبکار در مورد حسابرسی وجود خواهد داشت.

اما در مقابل این امکان نیز وجود دارد با افزایش دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی کاهش و در نتیجه کیفیت سود نیز کاهش یابد. دلیل اول اینکه حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار یک صاحبکار، به دلیل وابستگی های اقتصادی انگیزه بیشتری برای حفظ صاحبکار و پذیرش دیدگاه ها و خواسته های وی خواهند داشت که این امر استقلال آنها را مخدوش می کند (دی آنجلو، ۱۹۸۱). دوم اینکه، زمانی که روابط حسابرسی و صاحبکار طولانی می شود این دیدگاه در ذهن حسابرسان ایجاد می شود که آنها آشنایی کامل با وضعیت و موقعیت صاحبکار دارند در نتیجه نیاز به اصلاح و تغییر برنامه های حسابرسی و یا آزمون های حسابرسی بیشتر را در خود احساس نمی کنند. آنها برای برنامه ریزی حسابرسی، تعیین بودجه و فراهم کردن اطلاعات لازم برای حسابرسی سال جاری از کاربرگ های سال قبل استفاده می کنند و به جای اینکه در هر لحظه گوش به زنگ و هوشیار باشند تنها به پیش بینی نتایج می پردازند و از اجرای یک حسابرسی با کیفیت بالا دور می مانند (جانسون و همکاران ۲۰۰۲).

بالاخره دلیل سوم اینکه، این امکان وجود دارد که دوره تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی شود تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد کرده و بدین ترتیب استقلال آنها را به خطر بیندازد (ارل و همکاران، ۲۰۰۵).

نتایج تحقیق کرمی و بذرافشان (۱۳۸۹) دلالت بر وجود یک رابطه مستقیم و معنادار بین دوره تصدی حسابرسی و محافظه کاری به عنوان معیاری از کیفیت سود دارد. در حالیکه یافته های کرمی و همکاران (۱۳۹۰) حاکی از این ادعا است که با افزایش دوره تصدی انعطاف پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش و در نتیجه کیفیت سود کاهش می یابد.

مشکوک و ارائه های نادرست گذشته باشند انتشار گزارش غیرمقبول توسط حسابرسانی که کیفیت بالاتری دارند بیشتر خواهد بود. در این حالت، کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت سود) محصول مشترک تلاش های مدیریت و حسابرسی تلقی خواهد شد. نتایج تحقیق رینولدز و فرانسیس (۲۰۰۰) نشان می دهد که صاحبکاران شش موسسه بزرگ حسابرسی نسبت به سایر صاحبکاران از اقلام تعهدی اختیاری پایین تری برخوردارند. به اعتقاد آنها حسابرسان با کیفیت بالا قادر به کشف مدیریت سود هستند زیرا از دانش بیشتری برخوردار بوده و سعی می نمایند از مدیریت فرصت طلبانه سود جلوگیری کرده و اعتبار خود را حفظ نمایند.

در ایران علوی طبری و همکاران (۱۳۸۸) دریافتند میان کیفیت حسابرسی و پیش بینی دقیق تر سود رابطه وجود دارد.

۲-۲- دوره تصدی حسابرسی و کیفیت سود

برخی از مطالعات اخیر در ادبیات حسابرسی بیانگر این موضوع است که بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت سود رابطه مستقیمی وجود دارد. به عنوان مثال جانسون و همکاران (۲۰۰۲) در دوره تصدی کوتاه (۲-۳ سال) نسبت به دوره تصدی متوسط (۴-۸ سال) اقلام تعهدی غیرعادی بیشتری مشاهده نمودند.

میرز (۲۰۰۳) دریافت که رابطه طولانی مدت حسابرسی و صاحبکار با پراکندگی کمتر در توزیع اقلام تعهدی اختیاری رابطه دارد و محدودیت های بزرگتری بر اقلام تعهدی اختیاری افزایشدهنده و کاهشدهنده سود وجود دارد. سازگار با نتایج میرز، گوش و مون (۲۰۰۵) شواهدی فراهم نمودند مبنی بر اینکه شرکت ها با دوره تصدی طولانی تر، ضرایب واکنش سود بالاتری دارند و بیان کردند که به اعتقاد سرمایه گذاران کیفیت سود شرکت های دارای حسابرسی با دوره تصدی طولانی بهتر از کیفیت سود شرکت های دارای حسابرسی با دوره تصدی کوتاه است.

یافته های بالا سازگار با تئوری یادگیری در روانشناسی است. روابط طولانی مدت حسابرسی و صاحبکار منجر به شناخت عمیق تر حسابرسی از ساختار کنترل های داخلی

۲-۳- تخصص در صنعت و کیفیت سود

علاوه بر دوره تصدی حسابرس، تخصص در صنعت حسابرس نیز به عنوان معیار دیگری از کیفیت حسابرسی مورد توجه قرار می گیرد. مطالعات اخیر نشان می دهد که شرکت های دارای حسابرس متخصص از کیفیت گزارشگری مالی بالاتری برخوردارند (بالسام، ۲۰۰۳؛ کریشنان، ۲۰۰۳). کیفیت بالای حسابرسی توسط حسابرسان متخصص به این دلیل است که آنها شدیداً در تکنولوژی ها، امکانات فیزیکی، سیستم های کنترل سازمانی و شخصی سرمایه گذاری نموده تا به راحتی قادر به کشف موارد غیرقانونی و گزارشگری های گمراه کننده باشند. توانایی آنها در ارائه حسابرسی با کیفیت بالا از تجربه آنها در خدمت رسانی به سایر صاحبکاران در همان صنعت ناشی می شود. در این راستا ادعا می شود که کیفیت حسابرسی بستگی به عوامل متعددی نظیر دانش و شناخت حسابرس از صاحبکار و صنعتی که در آن فعالیت می کند دارد. به این ترتیب احتمال بیشتری وجود دارد که حسابرسان متخصص در صنعت گزارشگری گمراه کننده و موارد غیرقانونی را نسبت به حسابرسان غیرمتخصص به ویژه در سال های ابتدایی اشتغال به حسابرسی کشف نمایند. رابطه مستقیم بین تخصص در صنعت و کیفیت سود مبتنی بر این فرض است که حسابرسان متخصص در صنعت شناخت بهتری از فعالیت صاحبکار دارند.

کریشنان (۲۰۰۳) در بررسی رابطه میان تخصص در صنعت حسابرس و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری دریافت صاحبکارانی که از حسابرسان متخصص در صنعت استفاده می کنند نسبت به صاحبکاران دارای حسابرس غیرمتخصص اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند.

کارجالاین (۲۰۱۱) دریافت که تخصص در صنعت شریک حسابرسی در فنلاند رابطه مثبتی با کیفیت سود گزارش شده دارد. او مشاهده نمود که سطح اقلام تعهدی اختیاری در شرکت هایی که توسط شرکای متخصص حسابرسی می شوند در مقایسه با سایر شرکت های خصوصی کمتر است. بنابراین نتایج حاکی از این ادعا است که تخصص صنعت شریک حسابرسی یک منبع تفاوت در کیفیت حسابرسی به شمار می رود.

مینوتی مزا (۲۰۱۰) در یک بررسی در امریکا طی سال های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۸ بعد از اینکه شرکت های دارای حسابرسان متخصص و غیرمتخصص را بر حسب نوع صنعت، اندازه و عملکرد همسان نمود اختلاف معناداری میان دو گروه به لحاظ کیفیت حسابرسی مشاهده نمود. نتایج بررسی اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) نشان می دهد شرکت هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت است دارای سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری کمتر و ضریب واکنش سود بالاتری نسبت به شرکت هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت نیست می باشند.

۲-۴- دوره تصدی، تخصص در صنعت و کیفیت سود

گول و همکاران (۲۰۰۹) تاثیر تخصص صنعت را بر رابطه بین دوره تصدی و کیفیت سود بررسی نموده و دریافتند که رابطه بین دوره تصدی کوتاه تر و کیفیت سود پایین تر برای شرکت هایی که توسط متخصصان صنعت حسابرسی می شوند ضعیف تر است. آنها اینگونه استدلال نمودند که اگر حسابرس در نتیجه رابطه کوتاه مدت با صاحبکار فاقد دانش خاص صاحبکار باشد اما در خصوص کسب و کار صاحبکار دارای تخصص باشد احتمال بیشتری وجود دارد که موارد غیرقانونی و ارائه های نادرست را کشف نموده و حسابرسی های با کیفیت بالا ارائه نماید.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ جمع آوری داده ها تحقیقی توصیفی و از دیدگاه تقسیم بندی تحقیقات بر حسب هدف تحقیقی کاربردی است چراکه که نتایج حاصل از آن می تواند برای طیف گسترده ای از فعالان بازار سرمایه نظیر سهامداران، حسابرسان، سازمان بورس اوراق بهادار و غیره سودمند باشد. بعلاوه با توجه به دسته بندی های مختلف تحقیقات توصیفی تحقیق حاضر از نوع همبستگی می باشد و جهت آزمون وجود رابطه و همبستگی متغیرها از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جامعه آماری با سه

صنعت در نظر گرفته می شود که بیشترین سهم از کل دارایی های صنعت را داشته باشد. به این ترتیب مجموع دارایی های تمام صاحبکاران هر موسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی های تمام صاحبکاران در این صنعت شده است. موسساتی که نسبت مزبور آن ها بیش از میانه باشد، به پیروی از پالمرز (۱۹۸۶) به عنوان متخصص در نظر گرفته شده اند.

آزمون بر مبنای قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری تحت این فرض است که تعدیلات رو به بالا و تعدیلات رو به پایین سودهای گزارش شده به عنوان مدیریت سود در نظر گرفته می شوند که کیفیت سود گزارش شده را کاهش می دهند (میرز و همکاران، ۲۰۰۳). مدل رگرسیون زیر برای برآورد رابطه میان دوره تصدی حسابرسی و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری و همچنین تاثیر تخصص صنعت حسابرسی بر این رابطه استفاده شده است.

(۳)

$$ABSTDA = \beta_0 + \beta_1 \text{Tenure} + \beta_2 \text{Age} + \beta_3 \text{Size} + \beta_4 \text{IndGrow} + \beta_5 \text{Grow} + \beta_6 \text{CFO} + \beta_7 \text{Specialist} + \beta_8 \text{Tenure} \times \text{Specialist} + \beta_9 \text{Age} \times \text{Specialist} + \beta_{10} \text{Size} \times \text{Specialist} + \beta_{11} \text{IndGrow} \times \text{Specialist} + \beta_{12} \text{Grow} \times \text{Specialist} + \beta_{13} \text{CFO} \times \text{Specialist} + \tau$$

ABSTDA: قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری تقسیم بر دارایی های ابتدای دوره، Tenure: لگاریتم دوره تصدی حسابرسی، Age: لگاریتم سن شرکت، Size: دارایی های پایان دوره تقسیم بر دارایی های ابتدای دوره، IndGrow: مجموع فروش شرکت های موجود در یک صنعت در سال t تقسیم بر مجموع فروش شرکت های موجود در آن صنعت در سال t-1، Grow: رشد فروش شرکت که برابر است با فروش شرکت در سال t تقسیم بر فروش شرکت در سال t-1، OCF: جریان های نقدی عملیاتی، Specialist: یک متغیر موهومی است که اگر حسابرسی شرکت متخصص در صنعت باشد برابر یک در غیراینصورت صفر می باشد.

به منظور کنترل عوامل موثر بر اقلام تعهدی اختیاری که با دوره تصدی بی ارتباط هستند چندین متغیر کنترلی در مدل گنجانده شده است. از سن شرکت به منظور کنترل اختلاف در اقلام تعهدی اختیاری شرکت های با چرخه های عمر متفاوت (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲) و

شرط مورد تعدیل قرار گرفت. شرکت هایی در جامعه آماری قرار گرفتند که شرایط زیر در مورد آنها صدق کند:

- بانک ها و شرکت های سرمایه گذاری به واسطه فعالیت خاص کنار گذاشته شدند،
- سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود،
- بین سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ تغییر سال مالی نداشته باشند،

با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۶۸ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. کلیه اطلاعات مورد نیاز از طریق سایت های بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار تدبیرپرداز و ره آوردنویس و استخراج گردیده است.

۴- مدل های پژوهش و متغیرهای آن

در این تحقیق به منظور برآورد اقلام تعهدی غیر عادی از مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶) بهره برده شده است. البته این مدل تا حدی تعدیل شده است تا دربردارنده عوامل رشد و جریان های نقد باشد. سپس معادله یک برای هر صنعت برآورد شده است. در این مدل تمام متغیرها بر دارایی های ابتدای دوره تقسیم شده اند. در این مدل مقدار پسماند، بیانگر اقلام تعهدی غیر عادی می باشد.

$$ACC_t = \alpha_0 + \alpha_1 \text{CFO}_t + \alpha_2 \text{CFO}_{t-1} + \alpha_3 \text{CFO}_{t+1} + \alpha_4 \Delta \text{Rev}_t + \alpha_5 \text{PPE}_t + \alpha_6 \text{ROA}_{t-1} + \alpha_7 \Delta \text{CFO}_t + \alpha_8 \text{Dum} \Delta \text{CFO}_t + \alpha_9 \Delta \text{CFO}_t \times \text{Dum} \Delta \text{CFO}_t + \tau_t \quad (1)$$

ACC: سود قبل از اقلام غیرمترقبه منهای جریان نقد عملیاتی، CFO: جریان نقد عملیاتی، ΔRev : تغییر در درآمد فروش، PPE: خالص دارایی های ثابت، ROA: بازده دارایی ها (سود عملیاتی تقسیم بر دارایی)، $\text{Dum} \Delta \text{CFO}$: یک متغیر موهومی است که اگر تغییر در جریان نقد عملیاتی منفی باشد برابر یک در غیراینصورت صفر می باشد.

دوره تصدی حسابرسی، مدت زمانی (بر حسب سال) است که یک موسسه حسابرسی، حسابرسی یک شرکت واحد را بر عهده دارد.

تخصص در صنعت بر حسب سهم از بازار حسابرسان تعریف شده است. یک حسابرسی زمانی متخصص در

که مشاهده می شود، میانگین ارقام تعهدی اختیاری در زیر نمونه شرکت های دارای حسابرس متخصص در صنعت کمتر از میانگین ارقام تعهدی اختیاری در زیر نمونه شرکت هایی است که حسابرس آنها فاقد تخصص در صنعت می باشد. این سازگار با یافته های تحقیق بالسام و همکاران (۲۰۰۳) می باشد.

میانگین دوره تصدی (لگاریتم) در شرکت های دارای حسابرس متخصص در صنعت بیشتر از شرکت های دارای حسابرس غیرمتخصص است. شرکت های حسابرسی شده توسط حسابرسان متخصص عموماً به لحاظ اندازه کوچکتر بوده ولی جریان نقد عملیاتی بیشتری دارند.

ضرایب هم بستگی اسپیرمن متغیر های تحقیق در بخش بالای نگاره ۲ و ضرایب همبستگی پیرسون در بخش پایینی نگاره ۲ نشان داده شده است. اگر چه هم بستگی های معنی داری میان برخی از این متغیر ها وجود دارد، اما ضرایب هم بستگی در این جا، نمی تواند معیار مناسبی در مورد رابطه میان متغیرها باشد، چرا که ضریب هم بستگی هیچ گونه کنترلی بر سایر متغیر ها ندارد و هم چنین نشان دهنده تاثیر بالقوه تخصص صنعت بر ارتباط میان متغیر ها نمی باشد. با این وجود همانگونه که مشاهده می شود دوره تصدی رابطه مثبت و سن شرکت رابطه منفی با قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری دارد.

از دارایی ها (size) به منظور کنترل اختلاف در رفتار ارقام تعهدی مدیران شرکت های بزرگ و کوچک بهره برده شده است. درحالیکه برخی محققان ادعا می کنند که شرکت های بزرگتر ارقام تعهدی اختیاری پایدارتری دارند (دیچاو و دیچو، ۲۰۰۲) عده ای اظهار می دارند که ارقام تعهدی اختیاری گزارش شده توسط شرکت های بزرگ بطور سیستماتیک پایین تر است (اشباق و همکاران، ۲۰۰۳). از آنجایی که اندازه شرکت قویاً هم با ارقام تعهدی اختیاری و هم با سایر ویژگی های شرکت وابسته است از دارایی ها برای کنترل این عامل استفاده شده است.

از آنجایی که شرکت های رشدی در یک صنعت ممکن است بطور سیستماتیک سطوح متفاوتی از ارقام تعهدی را گزارش نمایند اثر رشد با استفاده از رشد در فروش صنعت (IndGrow) کنترل شده است. رشد فروش خاص شرکت نیز به منظور کنترل اختلاف ممکن در رفتار ارقام تعهدی شرکت های با رشد بالا و رشد پایین که ارتباطی با مدیریت سود ندارد در مدل قرار گرفته است. علاوه بر این، متغیر CFO نیز در مدل وارد شده است تا رابطه منفی میان ارقام تعهدی و جریان های نقدی همچنانکه در مطالعات قبلی مستند شده بود (به عنوان مثال دیچاو، ۱۹۹۴) لحاظ گردد.

۵- یافته های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در نگاره ۱ نمایش داده شده است. همان طور

نگاره ۱- آمار توصیفی و همبستگی متغیر ها

متغیر ها	شرکت های دارای حسابرس متخصص در صنعت			شرکت های دارای حسابرس غیرمتخصص در صنعت		
	میانگین	میانه	انحراف معیار	میانگین	میانه	انحراف معیار
ABSTDA	۰/۱۰۶	۰/۰۷۴	۰/۱۱۵	۰/۱۲۶	۰/۰۸۳	۰/۱۶۳
Tenure	۰/۴۸۳	۰/۴۷۷	۰/۲۹۴	۰/۴۰۳	۰/۳۰۱	۰/۳۲۴
Age	۱/۵۱۲	۱/۵۵۶	۰/۱۹۴	۱/۵۲۷	۱/۵۸۰	۰/۱۶۴
Size	۱/۱۸۵	۱/۱۴۶	۰/۴۸۹	۱/۲۴۷	۱/۱۳۸	۰/۶۱۱
IndGrow	۱/۲۰۱	۱/۱۸۹	۰/۱۹۱	۱/۱۷۷	۱/۱۸۰	۰/۲۰۴
Grow	۱/۲۰۹	۱/۱۶۶	۰/۴۲۸	۱/۳۳۱	۱/۱۸۴	۰/۸۲۷
CFO	۰/۱۳۴	۰/۱۱۹	۰/۱۹۲	۰/۱۲۰	۰/۱۰۵	۰/۱۹۳

می گیرد. همانگونه که مشاهده می شود رابطه بین دوره تصدی و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری در ابتدا مثبت و در سطح ۹۵٪ معنادار (Tenure=۰/۰۷۴ و sig=۰/۰۱۴) بوده اما با ورود عامل تخصص، این رابطه منفی و در سطح ۹۵٪ معنادار (Specialist × Tenure = -۰/۰۸۱) و دوره تصدی سطح قدرمطلق اقلام تعهدی افزایش و بالتبع کیفیت سود پایین می آید. اما با ورود عامل تخصص حسابرس این رابطه منفی می شود به این معنا که دیگر در صورتیکه حسابرس متخصص در صنعت باشد افزایش دوره تصدی منجر به کاهش کیفیت سود نمی شود.

به عبارت دیگر در شرکت هایی که دارای روابط کوتاه مدت با حسابرسان خود هستند سطح قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری پایین تر و بالتبع کیفیت سود بالاتر است. بعلاوه هرچه سن شرکت بالاتر باشد سطح قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری پایین تر و در نتیجه کیفیت سود بالاتر خواهد بود. البته آنچه که مهم است این است که هیچکدام از ضرایب همبستگی نزدیک به یک نیستند.

۵-۲- برازش مدل پژوهش

در نگاره ۳، نتایج حاصل از برازش مدل ۲ نشان داده شده است. در این مدل، رابطه میان دوره تصدی حسابرس و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری و همچنین تاثیر تخصص صنعت حسابرس بر این رابطه مورد بررسی قرار

نگاره ۲- همبستگی متغیرها

	ABSTDA	Tenure	Age	Size	IndGrow	Grow	CFO
ABSTDA	۱	۰/۰۸۳*	-۰/۰۰۸	۰/۱۵۴***	-۰/۰۲۸	۰/۰۲۶	۰/۰۵۷
Tenure	۰/۱۳۳***	۱	۰/۰۹۹**	-۰/۰۰۸	-۰/۰۱۸	۰/۰۲۴	۰/۰۲۴
Age	۰/۰۰۷	۰/۰۸۳*	۱	-۰/۰۷۰	-۰/۰۹۴**	-۰/۰۵۷	-۰/۰۷۷
Size	۰/۰۶۳	۰/۰۸۰*	۰/۰۲۳	۱	۰/۱۹۷***	۰/۳۷۹***	۰/۰۸۲*
IndGrow	-۰/۰۴۳	-۰/۰۴۹	-۰/۰۵۶	۰/۰۱۷	۱	۰/۲۹۴***	۰/۱۱۹***
Grow	۰/۰۸۸*	۰/۰۵۷	-۰/۰۰۲	۰/۱۳۸***	۰/۰۷۲	۱	۰/۱۸۹***
CFO	۰/۰۲۰	-۰/۰۳۳	-۰/۱۱۳**	۰/۰۴۳	۰/۰۴۶	۰/۰۸۱*	۱

*** معنی داری در سطح خطای ۱٪. ** معنی داری در سطح خطای ۵٪. * معنی داری در سطح خطای ۱۰٪.

نگاره ۳ - نتایج حاصل از برازش مدل

$$ABSTDA = \beta_0 + \beta_1 Tenure + \beta_2 Age + \beta_3 Size + \beta_4 IndGrow + \beta_5 Grow + \beta_6 CFO + \beta_7 Specialist + \beta_8 Tenure \times Specialist + \beta_9 Age \times Specialist + \beta_{10} Size \times Specialist + \beta_{11} IndGrow \times Specialist + \beta_{12} Grow \times Specialist + \beta_{13} CFO \times Specialist + \tau \quad (2)$$

متغیرها	ضرایب	آماره t	Sig
Intercept	۰/۴۰۹	۴/۱۹۴	۰/۰۰۰
Tenure	۰/۰۷۴	۲/۴۵۹	۰/۰۱۴
Age	-۰/۲۲۴	-۳/۷۹۱	۰/۰۰۰
Size	۰/۰۳۰	۴/۳۶۳	۰/۰۰۰
IndGrow	-۰/۰۱۷	-۰/۸۹۷	۰/۳۷۰
Grow	۰/۰۲۷	۱/۹۳۹	۰/۰۵۳
CFO	-۰/۲۳۵	-۴/۶۸۷	۰/۰۰۰
Specialist	-۰/۴۰۶	-۳/۱۹۹	۰/۰۰۱
Tenure×Specialist	-۰/۰۸۱	-۲/۰۳۹	۰/۰۴۲
Age×Specialist	۰/۲۶۲	۳/۶۹۰	۰/۰۰۰
Size×Specialist	-۰/۰۲۸	-۳/۵۶۴	۰/۰۰۰
IndGrow×Specialist	۰/۰۶۱	۱/۳۶۵	۰/۱۷۳
Grow×Specialist	-۰/۰۲۷	-۱/۵۹۱	۰/۱۱۲

$$ABSTDA = \beta_0 + \beta_1 \text{ Tenure} + \beta_2 \text{ Age} + \beta_3 \text{ Size} + \beta_4 \text{ IndGrow} + \beta_5 \text{ Grow} + \beta_6 \text{ CFO} + \beta_7 \text{ Specialist} + \beta_8 \text{ Tenure} \times \text{Specialist} + \beta_9 \text{ Age} \times \text{Specialist} + \beta_{10} \text{ Size} \times \text{Specialist} + \beta_{11} \text{ IndGrow} \times \text{Specialist} + \beta_{12} \text{ Grow} \times \text{Specialist} + \beta_{13} \text{ CFO} \times \text{Specialist} + \tau \quad (2)$$

متغیرها	ضرایب	آماره t	Sig
CFO×Specialist	۰/۱۸۴	۲/۸۷۵	۰/۰۰۴
R ² تعدیل شده		۰/۱۴۹	
آماره دوربین واتسون		۲/۰۲۵	

F آماره = ۷/۰۸۰ و Sig = ۰/۰۰۰

۳-۴ - تحلیل و آزمون بیشتر فرضیات

در ادامه، تاثیر تخصص صنعت بر رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود را به طریقی دیگر نیز بررسی می شود. به این ترتیب که نمونه را بر حسب تخصص صنعت حسابرس به دو زیرنمونه تقسیم می نماییم و سپس مدل زیر را در دو گروه شرکت هایی که حسابرسشان متخصص در صنعت بوده و شرکت هایی که توسط حسابرسان غیرمتخصص حسابرسی می شوند برآورد نموده و نتایج را با هم مقایسه می نماییم.

همانگونه که در نگاره ۴ مشاهده می شود در شرکتهایی که توسط موسسات حسابرسی غیرمتخصص حسابرسی می شوند رابطه میان دوره تصدی و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری مثبت و در سطح ۰/۰۵٪ معنادار

$$ABSTDA = \beta_0 + \beta_1 \text{ Tenure} + \beta_2 \text{ Age} + \beta_3 \text{ Size} + \beta_4 \text{ IndGrow} + \beta_5 \text{ Grow} + \beta_6 \text{ CFO} + \tau \quad (3)$$

نگاره ۴ - نتایج حاصل از برازش مدل

$$ABSTDA = \beta_0 + \beta_1 \text{ Tenure} + \beta_2 \text{ Age} + \beta_3 \text{ Size} + \beta_4 \text{ IndGrow} + \beta_5 \text{ Grow} + \beta_6 \text{ CFO} + \tau \quad (3)$$

متغیرها	شرکت های دارای حسابرس متخصص در صنعت			شرکت های دارای حسابرس غیرمتخصص در صنعت		
	ضرایب	آماره t	sig	ضرایب	آماره t	Sig
Intercept	-۰/۰۰۷	-۰/۱۲۲	۰/۹۰۳	۰/۴۰۵	۳/۶۴۱	۰/۰۰۰
Tenure	-۰/۰۴۳	-۲/۲۸۱	۰/۰۲۳	۰/۰۷۴	۲/۱۸۹	۰/۰۳۰
Age	۰/۰۴۵	۱/۵۰۳	۰/۱۳۴	-۰/۲۲۵	-۳/۳۶۹	۰/۰۰۱
Size	۰/۰۰۱	۰/۴۷۴	۰/۶۳۶	۰/۰۳۰	۳/۸۵۷	۰/۰۰۰
IndGrow	۰/۰۴۷	۱/۶۱۳	۰/۱۰۸	-۰/۰۱۳	-۰/۴۵۵	۰/۶۵۰
Grow	۰/۰۰۴	۰/۵۳۵	۰/۵۹۳	۰/۰۲۷	۱/۷۱۶	۰/۰۸۸
CFO	-۰/۱۱۳	-۳/۷۹۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۵	-۴/۱۶۱	۰/۰۰۰
R ² تعدیل شده		۰/۰۶۶			۰/۲۶۳	
F آماره		۰/۰۹۴			۱۱/۰۷۴	
Sig		۰/۰۰۱			۰/۰۰۰	

۶- نتیجه گیری و بحث

یافته های مطالعات قبلی حاکی از وجود رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود می باشند. نتایج حاصله در این مقاله علاوه بر اینکه وجود این رابطه را تایید می نماید شواهدی مبنی بر اینکه تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه میان دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود اثر می گذارد فراهم می نماید. به عبارت دیگر در ابتدا با افزایش دوره تصدی سطح قدرمطلق ارقام تعهدی افزایش و بالتبع کیفیت سود پایین می آید. اما با ورود عامل تخصص حسابرس این رابطه منفی می شود به این معنا که دیگر افزایش دوره تصدی منجر به کاهش کیفیت سود نمی شود. این نتایج سازگار با یافته های گول و همکاران (۲۰۰۹) است.

عده ای معتقدند که حضور طولانی مدت حسابرس در کنار یک صاحبکار، وابستگی های اقتصادی در حسابرس ایجاد خواهد کرد که استقلال و بیطرفی او را مخدوش می کند. نتایج این مقاله نشان می دهد که لزوماً رابطه طولانی مدت میان صاحبکار و حسابرس منجر به کاهش کیفیت سود نمی شود. طبق نتایج، اگر شرکت ها توسط حسابرسان متخصص در صنعت مورد حسابرسی قرار گیرند نه تنها رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود منفی نخواهد بود بلکه با افزایش دوره تصدی کیفیت سود نیز بهبود خواهد یافت. اگرچه در حال حاضر، دستورالعمل نظارت بر موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار مورد تجدید نظر، اصلاح و ابلاغ و مجدداً شرط چرخش موسسات حسابرسی بعد از چهار سال، مورد تاکید قرار گرفته است، لکن با توجه به نتایج این مقاله مبنی بر اهمیت نقش تخصص حسابرس در صنعت، ضمن توجه فعالان بازار به این امر پیشنهاد می شود در بررسی ها و نظارت های اداره امور حسابرسی و گزارشگری مالی سازمان بورس و اوراق بهادار بر موسسات حسابرسی معتمد، تمرکز بیشتری بر موسسات دارای تخصص کمتر در صنعت و نیز صورت های مالی حسابرسی شده توسط آنان به ویژه در سال های ابتدایی پذیرش کار انجام شود.

فهرست منابع

- * اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پژوهش های حسابداری مالی، سال ۱، شماره ۱ و ۲، صص ۱۷ تا ۳۲.
- * علوی طبری، حسین؛ خلیفه سلطان، سیداحمد؛ شهبندیان، ندا. (۱۳۸۸). "کیفیت حسابرسی و پیش بینی سود". تحقیقات حسابداری، شماره ۳، صص ۲۲ تا ۳۵.
- * کرمی، غلامرضا؛ بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال ۲، شماره ۷، صص ۵۵ تا ۸۰.
- * کرمی، غلامرضا؛ بذرافشان، آمنه؛ محمدی، امیر. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود". دانش حسابداری، سال ۲، شماره ۴، صص ۶۵ تا ۸۲.
- * Anthony, J. H., and K. Ramesh. (1992). "Association Between Accounting Performance Measures and Stock Prices: A Test of the Life Cycle Hypothesis". *Journal of Accounting and Economics*, 15(June/September), 203-227.
- * Arel, B., R., G. Brody., and K. Pany. (2005). "Audit firm rotation and audit quality". *The CPA Journal* 2005 75(1): 36-39.
- * Ashbaugh, H., R. LaFond, and B. W. Mayhew. (2003), "Do Nonaudit Services Compromise Auditor Independence? Further Evidence". *The Accounting Review*, 78(3), 611-639.
- * Ball, R. and L. Shivakumar. (2006). "The Role of Accruals in Asymmetrically Timely Gain and Loss Recognition". *Journal of Accounting Research* 44(2), 207-242.
- * Balsam, S., J. Krishnan and J.S. Yang. (2003). "Auditor Industry Specialization and Earnings Quality". *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 22(2), 71-97.
- * Chung H. (2004). "Selective Mandatory Auditor Rotation and Audit Quality: an Empirical Investigation of Auditor Designation Policy in Korea". Working paper.
- * Davis, R., B. Soo., and G. Trompeter. (2002). "Auditor tenure, auditor independence and earnings management". Working Paper, Boston College, Boston, MA.

یادداشت‌ها

¹. lowballing

- * DeAngelo, L.E. (1981). "Auditor size and audit quality". *Journal of Accounting and Economics* 3 (1): 113-127.
- * Dechow, P., (1994). "Accounting earnings and cash flows as measures of firm performance": The role of accounting accruals, *Journal of Accounting & Economics* 18, 3-42.
- * Dechow, P.M. and I. Dichev. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review* 77, 35-60.
- * Ghosh A. and Moon D. (2005). "Auditor Tenure and Perceptions of Audit Quality". *The Accounting Review*, Vol. 80, Issue 2, pp. 585-612.
- * Gul, F. A. and Fung, S. and Jaggi, B. (2009). "Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors industry expertise", *Journal of Accounting and Economics*, No. 47, pp: 265- 287.
- * Johnson V.E., Khurana I.K. and Reynolds J.K. (2002). "Audit-firm tenure and the quality of financial Reports". *Contemporary Accounting Research*, Vol. 19, Issue 4, pp. 637-660.
- * Karjalainen, J. (2004). "Audit Partner Industry Specialization and Earnings Quality of Privately-Held Companies". On line, <http://www.ssrn.com>.
- * Krishnan, G.V. (2003). "Does Big 6 Auditor Industry Expertise Constrain Earnings Management?". *Accounting Horizons*, supplement, 1-16.
- * Mnut-Meza, M. (2010). "Does Auditor Industry Specialization Improve Audit Quality? Evidence from Comparable Clients". PhD Dissertation, University of Toronto.
- * Myers J.N., Myers L.A. and Omer C.T. (2003). "Exploring the Term of the Auditor-client relationship and the quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor rotation?". *The Accounting Review*, Vol. 78, Issue 3, pp. 779-799.
- * Palmrose, Z. (1986), "Audit fees and auditor size: further evidence", *Journal of Accounting Research*, Vol. 24, pp. 97-110.
- * Reynolds, K. J., & Francis, J. R. (2000). "Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions". *Journal of Accounting and Economics*, 30(3), 375-400